



نسبیت گرایی در اخلاق / نسبیت گرایی توصیفی، هنجاری و فرااخلاقی

نسبی‌گرایی اخلاقی (Moral relativism) به مثابه یک نظریه نوپدید، از حدود یک قرن پیش که فلسفه اخلاق به عنوان یک ...

خبرگزاری مهر-نسبی‌گرایی اخلاقی (Moral relativism) به مثابه یک نظریه نوپدید، از حدود یک قرن پیش که فلسفه اخلاق به عنوان یک علم رسمی توسط جورج ادوارد مور انگلیسی با نگارش کتاب مشهور مبانی اخلاق سر برآورد چالش‌های متعددی را فراروی مکاتب اخلاقی گشود. نسبیت‌گرایی اخلاقی (Moral relativism) به مثابه یک نظریه نوپدید، از حدود یک قرن پیش که فلسفه اخلاق به عنوان یک علم رسمی توسط جورج ادوارد مور انگلیسی با نگارش کتاب مشهور مبانی اخلاق سر برآورد چالش‌های متعددی را فراروی مکاتب اخلاقی گشود. نسبیت‌گرایی اخلاقی یعنی هیچ یک از اصول اخلاقی از حسن و قبح ذاتی برخوردار نبوده، و سر در واقعیت و نفس الامر ندارد و عواملی چون زمان، مکان، سلیقه، قرارداد و همچنین عقل، عرف و یا شرع بر آنها تأثیر گذار بوده است.

عالمان فلسفه اخلاق معمولاً نسبیت‌گرایی را با توجه به عوامل تأثیرگذار بر آن، در دو گروه متأثر از فرد و جامعه جای می‌دهند که یک تقسیم جامع و فراگیر نسبت به همه مکاتب اخلاقی نیست، زیرا مکتبی مانند تجربه‌گرایی، تحت شمول هیچ یک از دو ملاک فوق قرار نمی‌گیرد.

اما نسبیت‌گرایان اخلاقی در فضایی جامع و مانع در سه دسته جای می‌گیرند زیرا نسبیت‌گرایی اخلاقی یا مشروط به تصمیم و اراده‌ی فرد است مانند هرمنوتیک و احساس‌گرایی و یا منوط به توافقات جمعی می‌باشد مانند جامعه‌گرایی و عاطفه‌گرایی و یا در دسته سوّمی قرار می‌گیرد که فرد و جامعه به تنهایی تأثیر گذار نیستند مانند مکتب تجربه‌گرایی و سود گرایی که می‌تواند اسباب متعددی از جمله این دو برآن موثر باشد.

نسبی‌گرایی را بیش از همه در دوره میانی می‌توان یافت، چه آن که نظریات مبتنی بر خرد ورزی هیچ یک جزم‌گرایی را برنمی‌تابد و داعیه دار بی‌ثباتی است. خطر نسبیت‌گرایی از دوران سفسطه‌گرایی آغاز شد، اما دوران علم‌گرایی و مدرنیسم را می‌توان اوج بی‌ثباتی و غیر واقع‌گرایی اخلاقی نامید، در این جاست که بسیاری از منکرات بدیهی به اموری معروف و پسندیده بدل می‌شود.

بحث درباره نسبیت‌گرایی اخلاقی، از حدود یک قرن پیش که فلسفه اخلاق به عنوان یک علم رسمی سر برآورد همواره مورد توجه و عنایت اندیشمندان و فیلسوفان بوده است مباحث علمی گوناگونی در این راستا به چشم می‌خورد که یا در قالب مقالات علمی و پژوهشی و یا به عنوان بخشی از کتاب‌های نگاشته شده مربوط به مباحث فلسفه اخلاق، مورد توجه قرار گرفته است، اما نکته مهم و قابل توجه این است که هیچ‌کدام از آثار و تحقیق‌های صورت گرفته، مبحث نسبیت‌گرایی اخلاقی را با توجه به این همه چالش‌ها و پی آمدهای گوناگون، به صورت مستقل و مستوفی، با در نظر گرفتن تمام ابعاد و زوایای آن و مکاتب مهم و تأثیرگذار مورد کاوش قرار نداده‌اند.

نسبیت اخلاقی یعنی هیچ اصل اخلاقی ثابتی وجود ندارد و تمام احکام ارزشی از جمله اصول کلی آنها (حسن عدل و قبح ظلم) بر حسب فرهنگ و یا تمایل و سلیقه افراد تغییر می‌کند از آن جا که پذیرش و عدم پذیرش این نظریه پیامدهای فردی و اجتماعی بسیاری دارد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مهم‌ترین انواع نسبیت گرایی شامل نسبیت گرایی توصیفی، فرا اخلاقی و هنجاری می‌باشد. احساس‌گرایی، توصیه‌گرایی، جامعه‌گرایی، قرارداد گرایی، جزو مکاتب نسبیت‌گرایی می‌باشند.

این مکاتب دلائل متعددی بر اثبات نسبیت اخلاقی آورده‌اند؛ از جمله نسبیت بودن معرفت، وجود اختلافات در جوامع گوناگون، انشائی دانستن جملات اخلاقی را دلیل بر نسبیت بودن اخلاق ذکر کرده‌اند.

یکی از مباحث مهم فلسفه اخلاق که پی آمدهای عملی فراوانی برای افراد جامعه دارد این است که آیا احکام و اصول اخلاقی و ارزشها، محصول عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، فرهنگی و امثال آنها هستند؟ یا ارزشهای اخلاقی اموری ثابت و همیشگی بوده و تغییرات و مقتضیات زمانی و مکانی در آنها تأثیری ندارد؟ آیا ما کاشف ارزشها هستیم یا جاعل ارزشها می‌باشیم؟ دلائل نسبیت‌گرایان اخلاقی چیست؟ مطلق بودن اصول و ارزشهای اخلاقی چگونه اثبات می‌شود؟ آیا همه احکام و ارزشهای اخلاقی مطلقند یا ارزشهای نسبیت و متغیر نیز وجود دارد؟

بررسی این موضوع از ابعاد مختلفی ضرورت می یابد که به برخی از آنها اشاره می شود: 1. تعارض با اصل کمال و خاتمیت اسلام و جاودانگی دین اسلام؛ زیرا عدم ثبات در ارزش و احکام اخلاقی به معنای ناپایداری و موقتی شدن تعالیم دینی و به دنبال آن انکار خاتمیت دینی است.

2. ایجاد هرج و مرج در جوامع؛ زیرا نسبت اخلاقی یعنی موقعیتی که در آن هیچگونه مطلق اخلاقی و هیچگونه درستی و نادرستی اخلاقی وجود ندارد و صداقت، درستی و نادرستی و قضاوت همگی نسبی هستند و براساس هنجارهای اجتماعی تعیین می شوند.

3. عقلانیت احکام اخلاقی با نسبیت گرایی اخلاقی تعارض دارد؛ زیرا با پذیرش نسبیت گرایی، ما با مجموعه ای از تناقضات در مورد درست و نادرست در موارد مشابه مواجه خواهیم شد در حالی که به نظر ما، تنها یک نظام اخلاقی صادق و حقیقی وجود دارد و سایر نظامها در صورتی که شبیه و نزدیک به آن نظام اخلاقی باشد از صدق و اعتبار برخوردارند زیرا که اخلاق در صدد نظام دادن به غرایز و قوای روحی است. و یا در مقام روابط علی و معلولی میان افعال و اوصاف اختیاری آدمی و سعادت حقیقی اوست از این رو یک نظام اخلاقی و فنی صادق است که واقعاً این مطلب را به انجام رساند به اصطلاح نظامی مطابق با واقع باشد.

از سوی دیگر چون نظم و غرایز و قوای روحی آدمی و نیل به سعادت حقیقی یک حالت کمال دارد تنها یک نظام اخلاقی می تواند این حالت کمال را پدید آورد و نظام حقیقی تلقی گردد.

نسبیت گرایی

گاه منظور از نسبی بودن یک حکم این است که آن حکم، نسبت به شرایط و قیود واقعی خود، متفاوت و تغییرپذیر است. گاه نیز منظور از نسبی بودن یک حکم آن است که آن حکم در هیچ شرایط واقعی، ثابت و تغییرناپذیر نیست؛ صدق احکام اخلاقی به زمینه آنها بستگی دارد، براین اساس، احکام اخلاقی که متعارض به نظر می رسند چون در شرایط مختلفی شکل گرفته اند می توانند صادق باشند. به عبارتی دیگر مراد از نسبیت اخلاقی این است که یک فضیلت یا رفتار اختیاری واحد در یک جامعه و یا در یک عصر و دوران، فضیلت باشد و همان رفتار با صفت مشخص در جامعه ای دیگر و زمان دیگر بدون آن که در ماهیت آن تغییر حاصل گردد ردیلت محسوب شود.

در بیانی دقیق آن که هرگاه شیء به یک امر یا اموری متغیر و خارج از ذات خود، وابسته باشد. حکم به نسبی بودن آن شیء می دهند. بنا براین نسبیت یک مفهوم اخلاقی، اعم از فضایل یا رذایل منوط به این است که آن مفهوم در صدق یا عدم صدق بر یک صفت درونی و یا رفتار بیرونی، وابسته به عناصری متغیر و خارج از حقیقت آن صفات یا رفتار باشد.

انواع نسبیت گرایی

مهم ترین انواع نسبیت گرایی اخلاقی عبارتند از: نسبیت گرایی 1. توصیفی، 2. هنجاری 3. فرا اخلاقی.

1. نسبیت گرایی توصیفی بر مبنای اظهارات انسان شناختی یا جامعه شناختی می گوید باورهای اخلاقی اصلی افراد و جوامع مختلف، متفاوت و حتی متعارضند به عبارت دیگر مدعای نسبیت گرایی توصیفی آن است که ارزش ها و اصول اخلاقی افراد به نحو بنیادین با یکدیگر تعارض دارند، منظور از اختلاف بنیادین این است که حتی اگر در مورد ویژگیهای شیء مورد نظر توافق حاصل شود، اختلاف نظر برطرف نمی شود.

مثلاً اختلاف نظر در مورد جواز قتل والدین سالخورده به دست فرزندان، همیشه به جهت اختلاف بنیادین در ارزش های اخلاقی نیست، زیرا ممکن است طرفداران این کار به دلیل اعتقاد به این که اگر والدین آنها در حالی قدم به آخرت گذارند که هنوز قوی و سالم اند، جایگاه بهتری خواهند داشت، موجبات قتل آنها را فراهم می کنند بنابراین در این گونه موارد اختلاف در باورهای ناظر به واقع است نه باورهای اخلاقی.

نسبیت گرایی توصیفی صرفاً به توصیف اختلافات و تفاوت های اصول اخلاقی افراد و جوامع مختلف می پردازد و در حوزه فعالیت مردم شناسان و قوم شناسان می باشد و از مبانی نسبیت گرایی معرفت شناختی محسوب می شود.

2. نسبیت گرایی هنجاری، ناظر به یک اصل هنجاری مورد قبول برای شخص یا جامعه است. یعنی آن چه برای شخص یا جامعه

درست یا خوب است، ارزشمند است در حالی که ممکن است همان رفتار با شرایط یکسان برای شخص یا جامعه‌ای دیگر درست یا خوب نباشد.

بنابراین فرض، اولاً ارزش‌های مورد پذیرش افراد و جوامع مختلف یکسان نبوده و دارای تفاوت بنیادینند و ثانیاً ارزش‌های اخلاقی مبنایی واقعی ندارند. براین اساس یک جامعه حق ندارد، افراد جامعه دیگر را به دلیل نقض قوانین اخلاقی و امثال آن مورد سرزنش قرار دهد و عمل به هنجارهای مورد پذیرش خود را از همگان طلب کند. این نوع از نسبیت‌گرایی از مبنای صحیح برخوردار نمی‌باشد و قابل پذیرش نیست. زیرا باورهای ما درباره اخلاق را نادیده می‌گیرد و وجود حقیقتی اخلاقی، و امکان توجیه دیدگاه‌های اخلاقی و نیز مشاهده اخلاقی را انکار می‌کند.

3. نسبیت‌گرایی فرااخلاقی سومین نوع نسبیت‌گرایی که نسبیت‌گرایی معرفت‌شناختی نیز نامیده می‌شود. این نوع، نسبیت‌گرایی از توصیف اخلاقیات مختلف افراد و جوامع گوناگون گرفته شده و بیانگر این است که اخلاق با هیچ واقعیت خارجی و مستقل از علاقه و خواست‌های افراد ارتباطی ندارد. لذا ارزش گزاره‌های اخلاقی تنها به خواست افراد یا جامعه است. بدین ترتیب در مورد احکام اخلاقی اصلی، شیوه معقول و معتبر عینی‌ای برای توجیه یکی در مقابل دیگری وجود ندارد، در نتیجه ممکن است، دو حکم اصلی متعارض، اعتبار یکسانی داشته باشند. یعنی در میان احکام یا نظام‌های اخلاقی متعارض، تنها یک حکم یا نظام اخلاقی را نمی‌توان موجه و درست دانست و احکام و نظام‌های دیگر را نادرست به حساب آورد. به عبارت دیگر تنها یک ارزش‌گذاری اخلاقی درست وجود ندارد بلکه می‌توان ارزش‌های اخلاقی متعدد و مختلفی را درست دانست و لذا شیوه معقولی برای توجیه و دفاع یک نظام اخلاقی در مقابل نظام‌های دیگر وجود ندارد.

نسبیت‌گرایی معرفت‌شناختی گاه به صورت ذهنیت‌گرایی در اخلاق و گاه به صورت نسبیت‌گرایی فرهنگی یا قراردادگرایی نمودار می‌شود در صورت نخست (ذهنیت‌گرایی)، ملاک و معیار ارزش‌های اخلاقی تنها در نگرش‌ها، امیال و احساسات و سلیق شخصی خلاصه شده‌است و دومی (فرهنگی یا قراردادی)، اخلاق و اصول آن را وابسته به جامعه و فرهنگ و عادات و رسوم آن دانسته، پذیرش و توافق جمعی را مبنای اعتبار احکام اخلاقی قرارداده‌اند.

مکاتب نسبی‌گرا:

مجموع مکاتبی که براساس دیدگاه‌های غیر توصیفی و غیرواقع‌گرا می‌باشند جملات اخلاقی را از نوع انشایی می‌دانند، جزو مکاتب نسبی‌گرا می‌باشند از جمله:

1- احساس‌گرایی: براساس این مکتب گفتارهای اخلاقی اساساً جنبه اخباری ندارد، زیرا احکام اخلاقی صرفاً بیان‌گر احساسات گوینده بوده و ریشه در واقعیات خارجی ندارد که حاصل این مکتب چیزی جز نسبیت اخلاقی نیست زیرا که احکام اخلاقی صرفاً بیانگر احساسات گوینده بوده و منطقاً نمی‌توان انتظار داشت دیگران نیز همان احساس را داشته باشند، به تعداد افراد انسانی ممکن است احساسات و تمایلات متفاوت وجود داشته باشند.

2- توصیه‌گرایی: این مکتب معتقد است که اساس گفتار اخلاقی خبردادن نیست بلکه توصیه و هدایت است و احکام اخلاقی اموری ارشادی می‌باشد که این امور نسبت به انسان‌ها و فرهنگ‌ها متفاوت است.

3- جامعه‌گرایی: جامعه‌گرایان، جامعه را شخصیتی مستقل از افراد می‌دانند و معتقدند که احکام اخلاقی وابستگی تام به جامعه دارد، در حقیقت هر جامعه‌ای هر چیزی را بپسندد همان چیز خوب است هیچ جامعه‌ای حق ندارد اخلاقیات و آداب و رسوم جامعه دیگر را مورد نقادی و ارزش داوری قرار دهد.

4- قرارداد گرایی: قرارداد گرایان، بر این باورند که ارزش‌های اخلاقی، خواسته‌های ذهنی افراد می‌باشد که هیچ‌گونه عینیتی ندارد، بنابراین چیزی که دارای خوبی یا بدی ذاتی باشد وجود ندارد و احکام و ارزش‌های اخلاقی، توافق و قراردادی بین افراد جامعه می‌باشد.